

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ ﴿١﴾

**فولادوند:** طا سین این است آیات قرآن و [آیات] کتابی روشنگر

**مکارم:** طس، این آیات قرآن، و کتاب مبین است.

هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾

**فولادوند:** که [مابه] هدایت و بشارت برای مؤمنان است

**مکارم:** وسیله هدایت و بشارت برای مؤمنان است.

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٣﴾

**فولادوند:** همانان که نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و خود به آخرت یقین دارند

**مکارم:** همان کسانی که نماز را برپا می‌دارند و زکات را ادا می‌کنند و به آخرت یقین دارند.

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زِينَةً لَّهُمْ أَعْمَالُهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ ﴿٤﴾

**فولادوند:** کسانی که به آخرت ایمان ندارند کردارهایشان را در نظرشان بیاراستیم [تا همچنان] سرگشته بمانند

**مکارم:** کسانی که ایمان به آخرت ندارند اعمال (سوء) آنها را برای آنان زینت می‌دهیم به طوری که آنها سرگردان می‌شوند.

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ ﴿٥﴾

**فولادوند:** آنان کسانی‌اند که عذاب سخت برای ایشان خواهد بود و در آخرت خود زیانکارترین [مردم] اند

**مکارم:** آنها کسانی هستند که عذاب بد (و دردناک) برای آنها است و آنها در آخرت زیانکارترین مردمند.

وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ﴿٦﴾

**فولادوند:** و حقا تو قرآن را از سوی حکیمی دانا دریافت می‌داری

**مکارم:** و بطور مسلم این قرآن از سوی حکیم و دانائی بر تو القا می‌شود.

إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَاتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبْرٍ أَوْ آتِيكُمْ بِشَهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٧﴾

**فولادوند:** [یادکن] هنگامی را که موسی به خانواده خود گفت من آتشی به نظر رسید به زودی برای شما خبری از آن خواهم

آورد یا شعله آتشی برای شما می‌آورد باشد که خود را گرم کنید

**مکارم:** (به خاطر بیاور) هنگامی را که موسی به خانواده خود گفت: من آتشی از دور دیدم؛ (همین جا توقف کنید؛) بزودی خبری

از آن برای شما می آورم، یا شعله آتشی تا گرم شوید.

فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨﴾

**فولادوند:** چون نزد آن آمد آوا رسید که خجسته [و مبارك گردید] آنکه در کنار این آتش و آنکه پیرامون آن است و منزه است خدا پروردگار جهانیان

**مکارم:** هنگامی که نزد آتش آمد، ندایی برخاست که: مبارک باد آن کس که در آتش است و کسی که در اطراف آن است (= فرشتگان و موسی!) و منزه است خداوندی که پروردگار جهانیان است!

يَا مُوسَى إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٩﴾

**فولادوند:** ای موسی این منم خدای عزیز حکیم

**مکارم:** ای موسی! من خداوند عزیز و حکیمم!

وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيِّ الْمُرْسَلُونَ ﴿١٠﴾

**فولادوند:** و عصایت را بیفکن پس چون آن را همچون ماری دید که می‌چنبد پشت گردانید و به عقب بازنگشت ای موسی مترس که فرستادگان پیش من نمی‌ترسند

**مکارم:** و عصایت را بیفکن! - هنگامی که (موسی) به آن نگاه کرد، دید (با سرعت) همچون ماری به هر سو می‌دود (ترسید و) به عقب برگشت، و حتی پشت سر خود را نگاه نکرد- ای موسی! نترس، که رسولان در نزد من نمی‌ترسند!

إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١١﴾

**فولادوند:** لیکن کسی که ستم کرده سپس بعد از بدی نیکی را جایگزین [آن] گردانیده [بداند] که من آمرزنده مهربانم

**مکارم:** مگر کسی که ستم کند؛ سپس بدی را به نیکی تبدیل نماید، که (توبه او را می‌پذیرم، و) من غفور و رحیمم!

وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضًا مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتِ إِلَى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿١٢﴾

**فولادوند:** و دستت را در گریبان کن تا سپید بی‌عیب بیرون آید [اینها] از [جمله] نشانه‌های نه‌گانه‌ای است [که باید] به سوی فرعون و قومش [ببر] زیرا که آنان مردمی نافرمانند

**مکارم:** و دستت را در گریبان داخل کن؛ هنگامی که خارج می‌شود، سفید و درخشانده است بی‌آنکه عیبی در آن باشد؛ این در زمره معجزات نه‌گانه‌ای است که تو با آنها بسوی فرعون و قومش فرستاده می‌شوی؛ آنان قومی فاسق و طغیانگرند!

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿١٣﴾

**فولادوند:** و هنگامی که آیات روشنگر ما به سویشان آمد گفتند این سحری آشکار است

**مکارم:** و هنگامی که آیات روشنی بخش ما به سراغ آنها آمد گفتند: این سحری است آشکار!

وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤﴾

**فولادوند:** و با آنکه دلپایشان بدان یقین داشت از روی ظلم و تکبر آن را انکار کردند پس بین فرجام فسادگران چگونه بود

**مکارم:** و آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند، در حالی که در دل به آن یقین داشتند! پس بنگر سرانجام تبهکاران (و مفسدان) چگونه بود!

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥﴾

**فولادوند:** و به راستی به داوود و سلیمان دانشی عطا کردیم و آن دو گفتند ستایش خدایی را که ما را بر بسیاری از بندگان باایمانش برتری داده است

**مکارم:** و ما به داوود و سلیمان، دانشی عظیم دادیم؛ و آنان گفتند: ستایش از آن خداوندی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشید.

وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلِمْنَا مَنَظِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ ﴿١٦﴾

**فولادوند:** و سلیمان از داوود میراث یافت و گفت ای مردم ما زبان پرندگان را تعلیم یافته‌ایم و از هر چیزی به ما داده شده است راستی که این همان امتیاز آشکار است

**مکارم:** و سلیمان وارث داوود شد، و گفت: ای مردم! زبان پرندگان به ما تعلیم داده شده، و از هر چیز به ما عطا گردیده؛ این فضیلت آشکاری است.

وَحَشِيرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿١٧﴾

**فولادوند:** و برای سلیمان سپاهیان از جن و انس و پرندگان جمع‌آوری شدند و [برای رزه] دسته دسته گردیدند

**مکارم:** لشکریان سلیمان از جن و انس و پرندگان نزد او جمع شدند آنقدر زیاد بودند که باید توقف کنند تا به هم ملحق شوند.

حَتَّىٰ إِذَا اتُّوا عَلَىٰ وَادِي النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٨﴾

**فولادوند:** تا آنگاه که به وادی مورچگان رسیدند مورچه‌ای [به زبان خویش] گفت ای مورچگان به خانه‌هایتان داخل شوید مبادا سلیمان و سپاهیانش ندیده و ندانسته شما را پامال کنند

**مکارم:** تا به سرزمین مورچگان رسیدند، مورچه‌ای گفت: ای مورچگان! به لانه‌های خود بروید تا سلیمان و لشکرش شما را پایمال نکنند در حالی که نمی‌فهمند!

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ﴿١٩﴾

**فولادوند:** [سلیمان] از گفتار او دهان به خنده گشود و گفت پروردگارا در دلم افکن تا نعمتی را که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای سپاس بگذارم و به کار شایسته‌ای که آن را می‌پسندی بپردازم و مرا به رحمت خویش در میان بندگان شایسته‌ات داخل کن

**مکارم:** (سلیمان) از سخن او تبسمی کرد و خندید و گفت: پروردگارا! شکر نعمتهائی را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به من الهام فرما و توفیق مرحمت کن تا عمل صالحی که موجب رضای تو گردد انجام دهم و مرا در زمره بندگان صالحت داخل نما.

وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ ﴿٢٠﴾

**فولادوند:** و جویای [حال] پرندگان شد و گفت مرا چه شده است که هدهد را نمی‌بینم یا شاید از غایبان است

**مکارم:** (سلیمان) در جستجوی پرنده (هدهد) برآمد و گفت چرا هدهد را نمی‌بینم یا اینکه او از غایبان است.

لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٢١﴾

**فولادوند:** قطعاً او را به عذابی سخت عذاب می‌کنم یا سرش را می‌برم مگر آنکه دلیلی روشن برای من بیاورد

**مکارم:** من او را قطعاً کیفر شدیدی خواهم داد و یا او را ذبح می‌کنم و یا دلیل روشنی (برای غیبتش) برای من بیاورد.

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بَنِيًّا يَقِينٍ ﴿٢٢﴾

**فولادوند:** پس دیری نپایید که [هدهد آمد و] گفت از چیزی آگاهی یافته‌ام که از آن آگاهی نیافته‌ای و برای تو از سبا گزارشی درست آورده‌ام

**مکارم:** چندان طول نکشید (که هدهد آمد و) گفت من بر چیزی آگاهی یافته‌ام که تو بر آن آگاهی نیافتی من از سرزمین سبا یک خبر قطعی برای تو آورده‌ام.

إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ﴿٢٣﴾

**فولادوند:** من [آنجا] زنی را یافته‌ام که بر آنها سلطنت می‌کرد و از هر چیزی به او داده شده بود و تختی بزرگ داشت

**مکارم:** من زنی را دیدم که بر آنها حکومت می‌کند و همه چیز در اختیار داشت (مخصوصاً) تخت عظیمی دارد.

وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ

## لَا يَهْتَدُونَ ﴿٢٤﴾

**فولادوند:** او و قومش را چنین یافتیم که به جای خدا به خورشید سجده می‌کنند و شیطان اعمالشان را برایشان آراسته و آنان را از راه [راست] باز داشته بود در نتیجه [به حق] راه نیافته بودند

**مکارم:** (اما) من او و قومش را دیدم که برای غیر خدا - خورشید - سجده می‌کنند و شیطان اعمالشان را در نظرشان زینت داده آنها را از راه بازداشته و آنها هدایت نخواهند شد.

## أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿٢٥﴾

**فولادوند:** [آری شیطان چنین کرده بود] تا برای خدایی که نهان را در آسمانها و زمین بیرون می‌آورد و آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را آشکار می‌نمایید می‌داند سجده نکنند

**مکارم:** چرا برای خداوندی سجده نمی‌کنند که آنچه در آسمانها و زمین پنهان است خارج می‌کند؟ و آنچه را مخفی می‌کنید و آشکار نمی‌سازید، می‌داند؟

## اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٢٦﴾

**فولادوند:** خدای یکتا که هیچ خدایی جز او نیست پروردگار عرش بزرگ است

**مکارم:** خداوندی که معبودی جز او نیست، و پروردگار و صاحب عرش عظیم است.

## قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٢٧﴾

**فولادوند:** گفت خواهیم دید آیا راست گفته‌ای یا از دروغگویان بوده‌ای

**مکارم:** (سلیمان) گفت: ما تحقیق می‌کنیم ببینیم راست گفتی یا از دروغگویان هستی؟!

## أَذْهَبَ بِّكِتَابِي هَذَا فَأَلْقَاهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾

**فولادوند:** این نامه مرا ببر و به سوی آنها بیفکن آنگاه از ایشان روی برتاب پس بین چه پاسخ می‌دهند

**مکارم:** این نامه مرا ببر و بر آنها بیفکن سپس برگرد (و در گوشه‌ای توقف کن) بین آنها چه عکسالعملی نشان می‌دهند.

## قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنَّي أُتِيْتُ إِلَيْكَ كِتَابٌ كَرِيمٌ ﴿٢٩﴾

**فولادوند:** [ملکه سبا] گفت ای سران [کشور] نامه‌ای ارجمند برای من آمده است

**مکارم:** (ملکه سبا) گفت: ای اشراف! نامه پر ارزشی به سوی من افکنده شده!

## إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣٠﴾

**فولادوند:** که از طرف سلیمان است و [مضمون آن] این است به نام خداوند رحمتگر مهربان

**مکارم:** این نامه از سلیمان است و چنین می‌باشد: به نام خداوند بخشنده مهربان ...

أَلَا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَأُتُونِي مُسْلِمِينَ ﴿٣١﴾

**فولادوند:** بر من بزرگی مکنید و مرا از در اطاعت درآیید

**مکارم:** توصیه من این است برتری جوئی نسبت به من نکنید و به سوی من آئید در حالی که تسلیم حق هستید.

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ ﴿٣٢﴾

**فولادوند:** گفت ای سران [کشور] در کارم به من نظر دهید که بی‌حضور شما [تا به حال] کاری را فیصله ندهام

**مکارم:** (سپس) گفت: ای اشراف (و ای بزرگان) نظر خود را در این امر مهم بازگو کنید که من هیچ کار مهمی را بدون حضور شما انجام ندهام.

قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةٍ وَأُولُوا بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ ﴿٣٣﴾

**فولادوند:** گفتند ما سخت نیرومند و دلاوریم و [لی] اختیار کار با توست بنگر چه دستور می‌دهی

**مکارم:** گفتند: ما دارای نیروی کافی و قدرت جنگی فراوان هستیم، ولی تصمیم نهائی با تو است بین چه دستور می‌دهی؟

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٣٤﴾

**فولادوند:** [ملکه] گفت پادشاهان چون به شهری درآیند آن را تباه و عزیزانش را خوار می‌گردانند و این گونه می‌کنند

**مکارم:** گفت: پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند آن را به فساد و تباهی می‌کشند و عزیزان آنجا را ذلیل می‌کنند، (آری) کار آنها همین گونه است.

وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ ﴿٣٥﴾

**فولادوند:** و [اینک] من ارمغانی به سویشان می‌فرستم و می‌نگرم که فرستادگان [من] با چه چیز بازمی‌گردند

**مکارم:** و من ( اکنون جنگ را صلاح نمی‌بینم) هدیه گرانبهائی برای آنها می‌فرستم تا بینم فرستادگان من چه خبر می‌آورند.

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ ﴿٣٦﴾

**فولادوند:** و چون [فرستاده] نزد سلیمان آمد [سلیمان] گفت آیا مرا به مالی کمک می‌دهید آنچه خدا به من عطا کرده بهتر است از آنچه به شما داده‌است [نه] بلکه شما به ارمغان خود شادمانی می‌نمایید

**مکارم:** هنگامی که (فرستادگان ملکه سبا) نزد سلیمان آمدند گفت: می‌خواهید مرا با مال کمک کنید (و فریب دهید!) آنچه خدا به من داده از آنچه به شما داده بهتر است بلکه شما هستید که به هدایایتان خوشحال می‌شوید.

ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَّا قَبْلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴿٣٧﴾

**فولادوند:** به سوی آنان بازگرد که قطعاً سپاهیان بر [سر] ایشان می‌آوریم که در برابر آنها تاب ایستادگی نداشته باشند و از آن [دیار] به خواری و زبونی بیرونشان می‌کنیم

**مکارم:** به سوی آنها بازگرد (و اعلام کن) با لشکرهائی به سراغ آنها می‌آئیم که قدرت مقابله با آن را نداشته باشند، و آنها را از آن (سرزمین آباد) به صورت ذلیلان و در عین حقارت بیرون می‌رانیم.

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ ﴿٣٨﴾

**فولادوند:** [سپس] گفت ای سران [کشور] کدام يك از شما تخت او را پیش از آنکه مطیعانه نزد من آیند برای من می‌آورد

**مکارم:** (سلیمان) گفت، ای بزرگان! کداميك از شما توانائی دارید تخت او را پیش از آنکه خودشان نزد من آیند برای من بیاورید!؟

قَالَ عِفْرِيْتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ ﴿٣٩﴾

**فولادوند:** عفریتی از جن گفت من آن را پیش از آنکه از مجلس خود برخیزی برای تو می‌آورم و بر این [کار] سخت توانا و مورد اعتمادم

**مکارم:** عفریتی از جن گفت: من آنرا نزد تو می‌آورم پیش از آنکه از مجلست برخیزی و من نسبت به آن توانا و امینم!

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآه مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ ﴿٤٠﴾

**فولادوند:** کسی که نزد او دانشی از کتاب [الهی] بود گفت من آن را پیش از آنکه چشم خود را بر هم زنی برای تو می‌آورم پس چون [سلیمان] آن [تخت] را نزد خود مستقر دید گفت این از فضل پروردگار من است تا مرا بیازماید که آیا سپاسگزارم یا ناسپاسی می‌کنم و هر کس سپاس گزارد تنها به سود خویش سپاس می‌گزارد و هر کس ناسپاسی کند بی‌گمان پروردگارم بی‌نیاز و کریم است

**مکارم:** (اما) کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت، من آنرا پیش از آنکه چشم بر هم زنی نزد تو خواهم آورد! و هنگامی که (سلیمان) آنرا نزد خود مستقر دید گفت این از فضل پروردگار من است تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را بجا می‌آورم یا کفران می‌کنم؟

قَالَ نَكُرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرُ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٤١﴾

**فولادوند:** گفت تخت [ملکه] را برایش ناشناس گردانید تا ببینیم آیا پی می‌برد یا از کسانی است که پی نمی‌برند

**مکارم:** (سلیمان) گفت تخت او را برایش ناشناس سازید به بینم آیا متوجه می‌شود یا از کسانی است که هدایت نخواهند شد.

فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكَ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ﴿٤٢﴾

**فولادوند:** پس وقتی [ملکه] آمد [بدو] گفته شد آیا تخت تو همین گونه است گفت گویا این همان است و پیش از این ما آگاه شده و از در اطاعت درآمده بودیم

**مکارم:** هنگامی که او آمد گفته شد آیا تخت تو اینگونه است؟ (در پاسخ) گفت: گویا خود آن است! و ما پیش از این هم آگاه بودیم و اسلام آورده بودیم!..

وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ ﴿٤٣﴾

**فولادوند:** و [در حقیقت قبلا] آنچه غیر از خدا می پرستید مانع [ایمان] او شده بود و او از جمله گروه کافران بود.  
**مکارم:** و او را از آنچه غیر از خدا می پرستید بازداشت که او از قوم کافران بود.

قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقَيْهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ  
قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٤﴾

**فولادوند:** به او گفته شد وارد ساحت کاخ [پادشاهی] شو و چون آن را دید برکه‌ای پنداشت و ساقهایش را نمایان کرد [سلیمان]  
گفت این کاخی مفروش از آبگینه است [ملکه] گفت پروردگارا من به خود ستم کردم و [اینک] با سلیمان در برابر خدا پروردگار  
جهانیان تسلیم شدم

**مکارم:** به او گفته شد داخل حیاط قصر شو، اما هنگامی که نظر به آن افکند پنداشت نهر آبی است و ساق پاهای خود را برهنه کرد (تا از آب بگذرد اما سلیمان) گفت (این آب نیست) بلکه قصری است از بلور صاف، (ملکه سبأ) گفت پروردگارا! من به خود ستم کردم، و با سلیمان برای خداوندی که پروردگار عالمیان است اسلام آوردم.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٥﴾

**فولادوند:** و به راستی به سوی ثمود برادرشان صالح را فرستادیم که خدا را بپرستید پس به ناگاه آنان دو دسته متخاصم شدند  
**مکارم:** ما به سوی ثمود برادرشان صالح را فرستادیم که خدای یگانه را بپرستید، اما آنها به دو گروه تقسیم شدند و به مخاصمه پرداختند.

قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٦﴾

**فولادوند:** [صالح] گفت ای قوم من چرا پیش از [جستن] نیکی شتابزده خواهان بدی هستید چرا از خدا آمرزش نمی‌خواهید  
باشد که مورد رحمت قرار گیرید

**مکارم:** [صالح] گفت: ای قوم من! چرا برای بدی قبل از نیکی عجله می‌کنید؟ (و عذاب الهی را می‌طلبید نه رحمت او را) چرا از خداوند تقاضای آمرزش نمی‌کنید شاید مشمول رحمت شوید؟

قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَّعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ ﴿٤٧﴾

**فولادوند:** گفتند ما به تو و به هر کس که همراه توست شگون بد زدیم گفت سرنوشت خوب و بدتان پیش خداست بلکه شما مردمی هستید که مورد آزمایش قرار گرفته‌اید

**مکارم:** آنها گفتند: ما تو و کسانی را که با تو هستند به فال بد گرفتیم (صالح) گفت: فال بد (و نیک) نزد خداست (و همه مقدراتتان به قدرت او تعیین می‌گردد) شما گروهی هستید که مورد آزمایش قرار گرفته‌اید.

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿٤٨﴾

**فولادوند:** و در آن شهر نه دسته بودند که در آن سرزمین فساد می‌کردند و از در اصلاح در نمی‌آمدند  
**مکارم:** در آن شهر نه گروهک بودند که فساد در زمین می‌کردند و مصلح نبودند.

قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٤٩﴾

**فولادوند:** [با هم] گفتند با یکدیگر سوگند بخورید که حتماً به [صالح] و کسانی که شبیخون می‌زنیم سپس به ولی او خواهیم گفت ما در محل قتل کسانی حاضر نبودیم و ما قطعاً راست می‌گوییم

**مکارم:** آنها گفتند: بیایید قسم یاد کنید به خدا که بر او (صالح) و خانواده‌اش شبیخون می‌زنیم و آنها را به قتل می‌رسانیم سپس به ولی دم او می‌گوئیم ما هرگز از هلاکت خانواده او خبر نداشتیم و در این گفتار خود صادق هستیم!

وَمَكْرُوا مَكْرًا وَمَكْرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٠﴾

**فولادوند:** و دست به نیرنگ زدند و [ما نیز] دست به نیرنگ زدیم و خبر نداشتند  
**مکارم:** آنها نقشه مهمی کشیدند و ما هم نقشه مهمی در حالی که آنها خبر نداشتند.

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَّا دَمَّرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥١﴾

**فولادوند:** پس بنگر که فرجام نیرنگشان چگونه بود ما آنان و قومشان را همگی هلاک کردیم  
**مکارم:** بنگر عاقبت توطئه آنها چه شد؟ که ما آنها و قومشان را همگی نابود کردیم!

فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٥٢﴾

**فولادوند:** و این [هم] خانه‌های خالی آنهاست به [سزای] بیدادی که کرده‌اند قطعاً در این [کیفر] برای مردمی که می‌دانند عبرتی خواهد بود

**مکارم:** این خانه‌های آنهاست که به خاطر ظلم و ستمشان خالی مانده، و در این نشانه روشنی است برای کسانی که آگاهند.

وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٥٣﴾

**فولادوند:** و کسانی را که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند رهانیدیم

**مکارم:** ما کسانی را که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند نجات دادیم.

وَلَوْ طَّا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ ﴿٥٢﴾

**فولادوند:** و [یاد کن] لوط را که چون به قوم خود گفت آیا دیده و دانسته مرتکب عمل ناشایست [لوط] می‌شوید

**مکارم:** و لوط را به یاد آور هنگامی که به قومش گفت آیا شما به سراغ کار بسیار قبیح می‌روید در حالی که (زشتی و نتایج شوم

آنرا) می‌بینید؟

أَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿٥٥﴾

**فولادوند:** آیا شما به جای زنان از روی شهوت با مردها در می‌آمیزید [نه] بلکه شما مردمی جهالت‌پیشه‌اید

**مکارم:** آیا شما بجای زنان به سراغ مردان از روی شهوت می‌روید؟ شما قومی جاهل هستید.

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ ﴿٥٦﴾

**فولادوند:** و [لی] پاسخ قومش غیر از این نبود که گفتند خاندان لوط را از شهرتان بیرون کنید که آنها مردمی هستند که به پاکی

تظاهر می‌نمایند

**مکارم:** آنها پاسخی جز این نداشتند که به یکدیگر گفتند: خاندان لوط را از شهر و دیار خود بیرون کنید که اینها افرادی پاکدامن

هستند!

فَأَجْبِنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَاَهَا مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٥٧﴾

**فولادوند:** پس او و خانواده‌اش را نجات دادیم جز زنش را که مقدر کردیم از باقی ماندگان [در خاکستر آتش] باشد

**مکارم:** ما او و خانواده‌اش را نجات دادیم، بجز همسرش که مقدر کردیم جزء باقی ماندگان باشد.

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ ﴿٥٨﴾

**فولادوند:** و بارانی [از سجیل] بر ایشان فرو باریدیم و باران هشدار داده‌شدگان چه بد بارانی بود

**مکارم:** سپس بارانی (از سنگ) بر آنها فرستادیم (که همگی زیر آن مدفون شدند) و چه بد است باران انداز شدگان.

قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ اللَّهُ خَيْرٌ مَّا يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾

**فولادوند:** بگو سپاس برای خداست و درود بر آن بندگان که [آنان را] برگزیده است آیا خدا بهتر است یا آنچه [با او] شریک

می‌گردانند

**مکارم:** بگو حمد مخصوص خداست و سلام (و درود) بر بندگان برگزیده‌اش، آیا خداوند بهتر است یا بت‌هایی را که شریک او قرار

می‌دهند؟

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَّا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ بَلٌ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ ﴿٦٠﴾

**فولادوند:** [آیا آنچه شريك می‌پندارند بهتر است] یا آن کس که آسمانها و زمین را خلق کرد و برای شما آبی از آسمان فرود آورد پس به وسیله آن باغهای بهجت‌انگیز رویانیدیم کار شما نبود که درختانش را برویانید آیا معبودی با خداست [نه] بلکه آنان قومی منحرفند

**مکارم:** آیا بتهایی که معبود شما هستند بهترند یا کسی که آسمان و زمین را آفریده؟، و برای شما از آسمان آبی فرستاد که با آن باغهایی زیبا و سرور انگیز رویانیدیم، و شما قدرت نداشتید درختان آنرا برویانید، آیا معبود دیگری با خداست؟ نه، آنها گروهی هستند که (از روی نادانی) مخلوقات خدا را در ردیف او قرار می‌دهند.

أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَّ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ بَلٌ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾

**فولادوند:** [آیا شریکانی که می‌پندارند بهتر است] یا آن کس که زمین را قرارگاهی ساخت و در آن رودها پدید آورد و برای آن کوهها را [مانند لنگر] قرار داد و میان دو دریا برزخی گذاشت آیا معبودی با خداست [نه] بلکه بیشترشان نمی‌دانند

**مکارم:** یا کسی که زمین را مستقر و آرام قرار داد، و در میان آن نهرهایی روان ساخت، و برای زمین کوههای ثابت و پا بر جا ایجاد کرد، و میان دو دریا مانعی قرار داد (تا با هم مخلوط نشوند، با این حال) آیا معبودی با خداست؟، نه بلکه اکثر آنها نمی‌دانند (و جاهلند).

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾

**فولادوند:** یا [کیست] آن کس که درمانده را چون وی را بخواند اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌گرداند و شما را جانشینان این زمین قرار می‌دهد آیا معبودی با خداست چه کم پند می‌پذیرید

**مکارم:** یا کسی که دعای مضطر را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد، و شما را خلفای زمین قرار می‌دهد، آیا معبودی با خداست؟ کمتر متذکر می‌شوید!

أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٣﴾

**فولادوند:** یا آن کس که شما را در تاریکیهای خشکی و دریا راه می‌نماید و آن کس که بادهای [باران زا] را پیشاپیش رحمتش بشارتگر می‌فرستد آیا معبودی با خداست خدا برتر [و بزرگتر] است از آنچه [با او] شريك می‌گردانند

**مکارم:** یا کسی که شما را در تاریکیهای صحرا و دریا هدایت می‌کند، و کسی که بادهای بشارت دهندگان پیش از نزول رحمتش

می‌فرستد، آیا معبودی با خداست ؟ خداوند برتر است از اینکه شریک برای او قرار دهند.

أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَهٌ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٦٤﴾

**فولادوند:** یا آن کس که خلق را آغاز می‌کند و سپس آن را بازمی‌آورد و آن کس که از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد آیا معبودی با خداست بگو اگر راست می‌گویید برهان خویش را بیاورید

**مکارم:** یا کسی که آفرینش را آغاز کرد، و سپس آنرا تجدید می‌کند، و کسی که شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد، آیا معبودی با خداست ؟ بگو دلیلتانرا بیاورید اگر راست می‌گوئید.

قُلْ لَّا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿٦٥﴾

**فولادوند:** بگو هر که در آسمانها و زمین است جز خدا غیب را نمی‌شناسند و نمی‌دانند کی برانگیخته خواهند شد  
**مکارم:** بگو کسانی که در آسمان و زمین هستند از غیب آگاهی ندارند جز خدا و نمی‌دانند کی برانگیخته می‌شوند.

بَلِ ادَّارِكْ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلِ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا بَلِ هُمْ مِنْهَا عَمُونَ ﴿٦٦﴾

**فولادوند:** [نه] بلکه علم آنان در باره آخرت نارساست [نه] بلکه ایشان در باره آن تردید دارند [نه] بلکه آنان در مورد آن کور شدند  
**مکارم:** این مشرکان اطلاع صحیحی درباره آخرت ندارند، بلکه در اصل آن شك دارند، بلکه نابینا و اعمی هستند.

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَئِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا أَئِنَّا لَمُخْرَجُونَ ﴿٦٧﴾

**فولادوند:** و کسانی که کفر ورزیدند گفتند آیا وقتی ما و پدرانمان خاک شدیم آیا حتما [زنده از گور] بیرون آورده می‌شویم  
**مکارم:** کافران گفتند: آیا هنگامی که ما و پدرانمان خاک شدیم باز هم از دل خاک بیرون می‌آئیم.

لَقَدْ وَعَدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٦٨﴾

**فولادوند:** در حقیقت این را به ما و پدرانمان قبلا وعده داده‌اند این جز افسانه‌های پیشینیان نیست  
**مکارم:** این وعده‌ای است که به ما و پدرانمان از پیش داده شده اینها همان افسانه‌های خرافی پیشینیان است.

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ﴿٦٩﴾

**فولادوند:** بگو در زمین بگردید و بنگرید فرجام گناه‌پیشگان چگونه بوده است  
**مکارم:** بگو در روی زمین سیر کنید، ببینید عاقبت کار مجرمان به کجا رسید؟

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ ﴿٧٠﴾

**فولادوند:** و بر آنان غم مخور و از آنچه مکر می‌کنند تنگدل مباش

**مکارم:** از تکذیب و انکار آنها غمگین مباش، و اینهمه غصه آنها را مخور، و سینه‌ات از توطئه آنها تنگ نشود.

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٧١﴾

**فولادوند:** و می‌گویند اگر راست می‌گویید این وعده کی خواهد بود

**مکارم:** می‌گویند این وعده (عذاب را که به ما می‌دهی) اگر راست می‌گویند کی خواهد آمد؟

قُلْ عَسَىٰ أَن يَكُونَ رَدِفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ﴿٧٢﴾

**فولادوند:** بگو شاید برخی از آنچه را به شتاب می‌خواهید در پی شما باشد

**مکارم:** بگو شاید پاره‌ای از آنچه را عجله می‌کنید نزدیک و در کنار شما باشد!

وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾

**فولادوند:** و راستی پروردگارت بر [این] مردم دارای بخشش است ولی بیشترشان سپاس نمی‌دارند

**مکارم:** پروردگار تو نسبت به مردم فضل و رحمت دارد ولی اکثر آنها شکرگزار نیستند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٤﴾

**فولادوند:** و در حقیقت پروردگار تو آنچه را در سینه‌هایشان نهفته و آنچه را آشکار می‌دارند نیک می‌داند

**مکارم:** و پروردگارت آنچه را در سینه‌هایشان پنهان می‌دارند و آنچه را آشکار می‌کنند بخوبی می‌داند.

وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿٧٥﴾

**فولادوند:** و هیچ پنهانی در آسمان و زمین نیست مگر اینکه در کتابی روشن [درج] است

**مکارم:** و هیچ موجودی پنهان در آسمان و زمین نیست مگر اینکه در کتاب مبین (در لوح محفوظ و علم بی‌پایان پروردگار) ثبت است.

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَاقُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٧٦﴾

**فولادوند:** بی‌گمان این قرآن بر فرزندان اسرائیل بیشتر آنچه را که آنان در باره‌اش اختلاف دارند حکایت می‌کند

**مکارم:** این قرآن اکثر چیزهایی را که بنی اسرائیل در آن اختلاف دارند برای آنها بیان می‌کند.

وَإِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾

**فولادوند:** و به راستی که آن رهنمود و رحمتی برای مؤمنان است

**مکارم:** و مایه هدایت و رحمت برای مؤمنان است.

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿٧٨﴾

**فولادوند:** در حقیقت پروردگار تو طبق حکم خود میان آنان داوری می‌کند و اوست شکست‌ناپذیر دانا

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

**مکارم:** پروردگار تو میان آنها در قیامت به حکم خود داوری می‌کند و اوست قادر و دانا.

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ ﴿٧٩﴾

**فولادوند:** پس بر خدا توکل کن که تو واقعا بر حق آشکاری

**مکارم:** پس بر خدا توکل کن که تو بر طریقه حق آشکار هستی

إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ﴿٨٠﴾

**فولادوند:** البته تو مردگان را شنوا نمی‌گردانی و این ندا را به کران چون پشت بگردانند نمی‌توانی بشنوانی

**مکارم:** تو نمی‌توانی سخنت را به گوش مردگان برسانی و نمی‌توانی کران را هنگامی که روی بر می‌گردانند و پشت می‌کنند صدا کنی!

وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٨١﴾

**فولادوند:** و راهبر کوران [و بازگرداننده] از گمراهی‌شان نیستی تو جز کسانی را که به نشانه‌های ما ایمان آورده‌اند و مسلمانند نمی‌توانی بشنوانی

**مکارم:** و نیز نمی‌توانی کوران را از گمراهی برهانی، تو فقط می‌توانی سخن خود را به گوش کسانی برسانی که آماده پذیرش ایمان به آیات ما هستند و در برابر حق تسلیمند.

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿٨٢﴾

**فولادوند:** و چون قول [عذاب] بر ایشان واجب گردد جنبنده‌ای را از زمین برای آنان بیرون می‌آوریم که با ایشان سخن گوید که مردم [چنانکه باید] به نشانه‌های ما یقین نداشتند

**مکارم:** هنگامی که فرمان عذاب آنها رسد (و در آستانه رستخیز قرار گیرند) جنبنده‌ای را از زمین برای آنها خارج می‌کنیم که با آنها تکلم می‌کند و می‌گوید: مردم به آیات ما ایمان نمی‌آورند.

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿٨٣﴾

**فولادوند:** و آن روز که از هر امتی گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده‌اند محشور می‌گردانیم پس آنان نگاه داشته می‌شوند تا همه به هم بپیوندند

**مکارم:** به خاطر بیاور روزی را که ما از هر امتی گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کردند محشور می‌کنیم و آنها را نگه می‌داریم تا به یکدیگر ملحق شوند

حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُوا قَالَ أَكَذَّبْتُمْ بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا أَمْ آذًا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨٤﴾

**فولادوند:** تا چون [همه کافران] بیابند [خدا] می‌فرماید آیا نشانه‌های مرا به دروغ گرفتید و حال آنکه از نظر علم بدانها احاطه

نداشتید آیا [در طول حیات] چه می‌کردید

**مکارم:** تا زمانی که (به پای حساب) می‌آیند به آنها می‌گوید آیا آیات مرا تکذیب کردید و در صدد تحقیق بر نیامدید شما چه اعمالی انجام می‌دادید.

وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ ﴿٨٥﴾

**فولادوند:** و به [کیفر] آنکه ستم کردند حکم [عذاب] بر آنان واجب گردد در نتیجه ایشان دم برنیارند  
**مکارم:** در این هنگام فرمان عذاب بر آنها واقع می‌شود و آنها سخنی ندارند که بگویند.

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِن فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٨٦﴾

**فولادوند:** آیا ندیده‌اند که ما شب را قرار داده‌ایم تا در آن بیاسایند و روز را روشنی‌بخش [گردانیدیم] قطعا در این [امر] برای مردمی که ایمان می‌آورند مایه‌های عبرت است

**مکارم:** آیا آنها ندیدند ما شب را قرار دادیم که در آن بیارامند و روز را روشنی‌بخش، در این امور نشانه‌های روشنی است برای کسانی که آماده پذیرش ایمانند.

وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ ﴿٨٧﴾

**فولادوند:** و روزی که در صور دمیده شود پس هر که در آسمانها و هر که در زمین است به هراس افتد مگر آن کس که خدا بخواهد و جملگی با زبونی رو به سوی او آورند

**مکارم:** به خاطر بیاورید روزی را که در صور دمیده می‌شود و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند در وحشت فرو می‌روند جز کسانی که خدا به خواهد و همگی با خضوع در پیشگاه او حاضر می‌شوند.

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَنْتَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ ﴿٨٨﴾

**فولادوند:** و کوهها را می‌بینی [و] می‌پنداری که آنها بی‌حرکتند و حال آنکه آنها ابرآسا در حرکتند [این] صنع خدایی است که هر چیزی را در کمال استواری پدید آورده است در حقیقت او به آنچه انجام می‌دهید آگاه است

**مکارم:** کوهها را می‌بینی و آنها را ساکن و جامد می‌پنداری در حالی که مانند ابر در حرکتند این صنع و آفرینش خداوندی است که همه چیز را متقن آفریده او از کارهایی که شما انجام می‌دهید آگاه است.

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ ﴿٨٩﴾

**فولادوند:** هر کس نیکی به میان آورد پاداشی بهتر از آن خواهد داشت و آنان از هراس آن روز ایمنند

**مکارم:** کسانی که کار نیکی انجام دهند پاداشی بهتر از آن خواهند داشت و آنها از وحشت آن روز در امانند.

وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٠﴾

**فولادوند:** و هر کس بدی به میان آورد به رو در آتش [دوزخ] سرنگون شوند آیا جز آنچه می‌کردید سزا داده می‌شود.

**مکارم:** و آنها که اعمال بدی انجام دهند به رو در آتش افکنده می‌شوند آیا جزائی جز آنچه عمل می‌کردید خواهید داشت.

إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

﴿٩١﴾

**فولادوند:** من مامورم که تنها پروردگار این شهر را که آن را مقدس شمرده و هر چیزی از آن اوست پرستش کنم و مامورم که از

مسلمانان باشم

**مکارم:** (بگو) من مامورم پروردگار این شهر (مقدس مکه) را عبادت کنم همان کسی که این شهر را حرمت بخشیده و همه چیز از

آن اوست و من مامورم که از مسلمین باشم.

وَأَنْ أَتْلُو الْقُرْآنَ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿٩٢﴾

**فولادوند:** و اینکه قرآن را بخوانم پس هر که راه یابد تنها به سود خود راه یافته است و هر که گمراه شود بگو من فقط از

هشداردهندگانم

**مکارم:** و اینکه قرآن را تلاوت کنم هر کس هدایت شود برای خود هدایت شده و هر کس گمراه گردد (گنااهش به گردن خود

اوست) بگو من فقط از انداز کنندگانم.

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سِيرِكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾

**فولادوند:** و بگو ستایش از آن خداست به زودی آیاتش را به شما نشان خواهد داد و آن را خواهید شناخت و پروردگار تو از آنچه

می‌کنید غافل نیست

**مکارم:** بگو حمد و ستایش مخصوص ذات خداست به زودی آیاتش را به شما نشان می‌دهد تا آنها بشناسید و پروردگار تو از آنچه

انجام می‌دهید غافل نیست.